

آشنائی با مبارزات رهایی بخش (۳)

قسمت اول

مقاومت مردم قهرمان افغانستان را بازگو نمایم. همان مقاومتی که امروز از افغانستان ویتنامی دیگر ساخته، ولی اینبار نه در برابر ابرقدرت غرب، که در برابر رقیب شرقی اش، در برابر شعارهای فریبنده و ظاهری دفاع از خلق و بازدرهمین روند نگرشی بر شیوه های نفوذ استعمارگران و استثمارگران خصوصا ابرجناایتکار شرق و در پایان نیز گذری بر راه رسیدن به پیروزی و ظفر و وظائف مردم مسلمان ایران و خصوصا مسئولین انقلاب اسلامی ایران در برابر ملت محروم افغانستان داشته باشیم.

امپریالیستها همواره اخبار دروغ و تحریف شده ای را در این مورد بخورد جهانیان داده اند. میتوان گفت تنها کشوری که امکانات عملی برای رساندن پیام مردم افغانستان بگوش جهانیان در اختیار مبارزین و مجاهدین افغانی قرار داده ایران بعد از انقلاب است، که بارها و بارها حمایت خویش را از رزمندگان افغانی اعلام داشته و در این زمینه کمکهایی نیز کرده است.

بر اساس ضرورت آشنایی با این انقلاب هر چند که بارها از آن سخن گفته شده است، بر آن شدیم تا گذری بر این سرزمین داشته باشیم - و

... البته دولت شوروی میتواند افغانستان را قبضه کند ولی نمی تواند در آنجا مستقر شود. اگر شما خیال کردید میتوانید افغانستان را بگیری و آنرا آرام کنید این خیالی باطل است ملت افغانستان مسلم است، ایستاده اند در مقابل حکومت افغانستان شما هم اگر بروید و... هر قدرت دیگری هم برود آنجا را می گیرد امانی تواند آنجا را آرام کند و بالاخره شکست می خورد. (امام خمینی)

انقلاب اسلامی افغانستان یکی از مظلومترین انقلابهای دنیا و ملت محروم و ستمدیده افغان یکی از مظلومترین ملت‌های دنیا هستند، چرا که سالهاست زیر یوغ و سلطه

تاریخ مبارزات مردم مسلمان افغانستان

وضعیت جغرافیایی و استراتژیکی افغانستان

افغانستان یکی از کشورهای آسیای مرکزی است که از جنوب و شرق با پاکستان و از شمال شرقی با چین و از شمال با شوروی و از طرف مغرب با ایران هم مرز می باشد. افغانستان کشور پهناوری بوده و از حیث وسعت سی و هشتمین کشور جهان می باشد.

جمعیت این کشور در حدود ۲۰ میلیون نفر و مرکب از نژادهای مختلف می باشد که از میان آنها میتوان قومها و نژادهای «پشتو»، «تاجیک»،

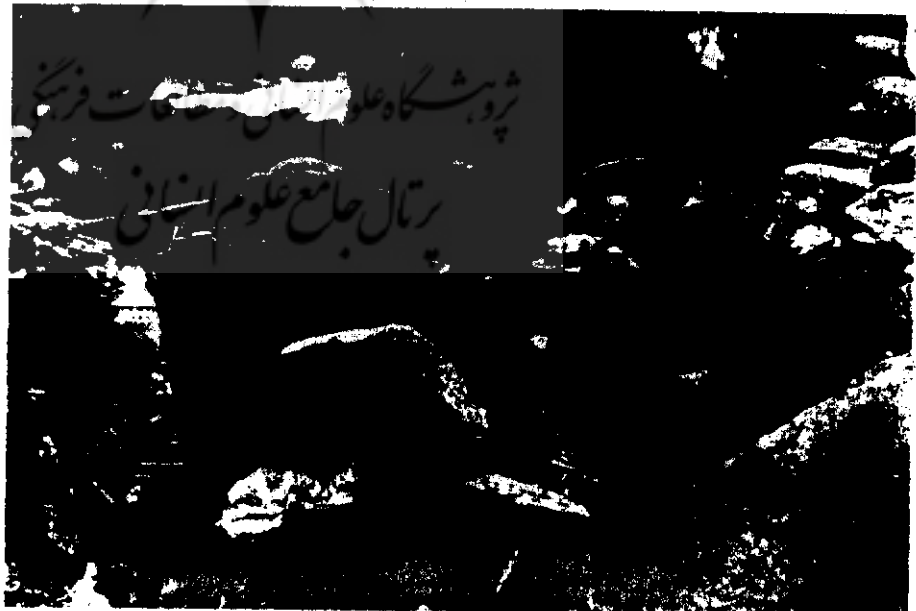
* نبودن کار در کشور نیز یکی دیگر از مشکلات اقتصادی افغانستان است بطوریکه کارگران افغانی برای کار یابو مجبورند به کشورهای دیگری مهاجرت نمایند.

«هزاره»، «ازبک»، «ترکمن» و... را نام برد. بافت جامعه افغانستان یک بافت عشیره ای و قبیله ای بوده و در طول سالیان در حکومتهایی توان بدست گرفتن قدرت را در این کشور داشتند که حتما از حمایت قبایل بزرگ با نفوذ برخوردار بودند. زبانی مردم افغانستان بسته به قوم و نژاد از

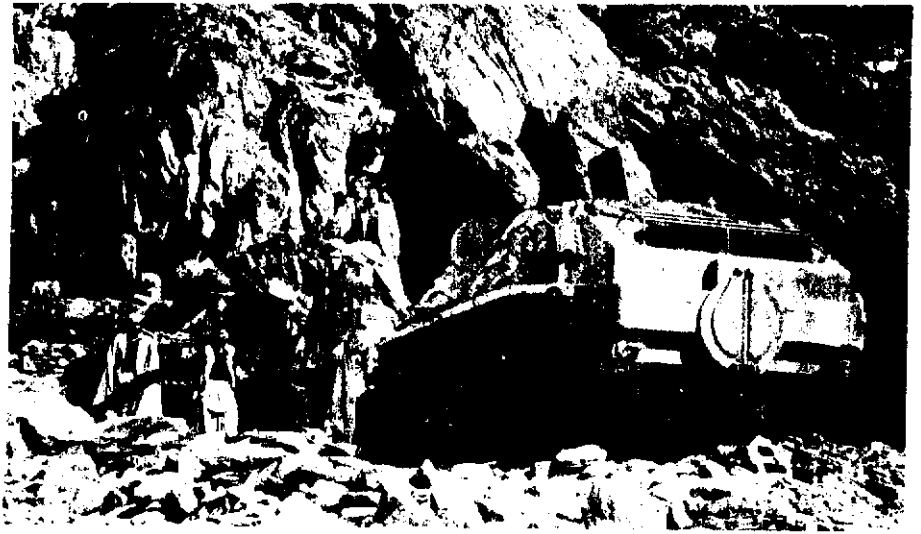
تاریخ این سرزمین راز سالیان قبل بررسی نمایم. چرا که اعتقادمان بر این است که تاریخ هر سرزمینی خود مبین و روشنگر آنچه امروز در آن سرزمین می گذرد، می باشد. از طرف دیگر با نگرشی درست و عمیق بر تاریخ ملتهاست که میتوان، انگیزه ها و شیوه های برخورد دوستان و دشمنان را دریافت و از آنان درس آموخت که بقول امام خمینی «تاریخ معلم انسانهاست»

سعی مان بر این است که در این روند

ابر قدرتها بسر می برند و سالهاست که برای رهایی از چنگال ابرجناایتکاران شرق و غرب جنگیده است ولی آنچنان که باید و شاید از این ملت محروم سخن به میان نیامد است. حتی سایر انقلابیون و آزادیخواهان سراسر جهان به این مسئله آنچنان که درخور مقاومت این مردم است نگاه نکرده اند و ایشارها و حماسه های آنان را بازگو ننموده اند. همواره تفاهم ابر قدرتها بر سر افغانستان مانع از آن شده که حتی فریاد آنها از مرزهای افغانستان فراتر رود. باندهای خبری



دوتن از چریکهای افغانی در حال تیراندازی



تانک روسی که توسط مجاهدین افغانی به غنیمت گرفته شده است.

چندان رضایتبخش نمی باشد هر چند که اقتصاد این کشور عمدتاً بر کشاورزی استوار است از طرف دیگر چون بافت جامعه یک بافت فئودالی بوده همین میزان زمین قابل کشت در اختیار کشاورزان نمی باشد و کشاورزان هر آنچه را هم که با بدبختی و رنج و تلاش بسیار بدست می آورند باید در اختیار فئودال ها بگذارند. حکومتها نیز برای پایداری و ثبات خویش، خانها را تقویت نموده، و میتوان گفت که کشاورز افغانی ظلم و ستمی مضاعف را تحمل می نماید و شاید به همین دلیل است که استعمارگران همواره کوشیده اند تا بافت قبیله ای و فئودالی در این کشور پا بر جا بماند. نبودن کار در کشور نیز یکی از مشکلات اقتصادی افغانستان محسوب میشود بطوریکه کارگران افغانی برای کار یابی مجبورند به کشورهای همانند ایران - کویت و عربستان مهاجرت نمایند.

بطور کلی و در یک کلام افغانستان کشوری است که علیرغم سرشار بودن از ذخائر زیر زمینی در فقری فاحش بسر می برد و مردمش از محرومترین و فقیرترین ملل دنیا به حساب می آیند.

تاریخ مبارزات مردم افغانستان

سرزمین افغانستان تاریخی پنج هزار ساله دارد. و این پنج هزار سال تاریخ، بیانگر مقاومت مردم آن سامان در برابر هجومهای نظامی، فرهنگی و اقتصادی مهاجمینی بوده که از غرب و شرق بر آن تاخته اند. افغانستان از قدیم الایام یکی از کانونهای سیاسی - نظامی، فرهنگی - بازرگانی آسیا بوده است. مبارزات مردم افغانستان به سالها قبل بر می

وضعیت اقتصادی

افغانستان بدلیل کوهستانی بودنش دارای منابع و معادن فنی و دست نخورده ای از قبیل نفت گاز، ذغال سنگ، مس، زمره، طلا، یاقوت، لاجورد و... می باشد. این معادن یا بکر و دست نخورده بود و یا توسط چپاولگران به یغما برده میشود و میشود. گاز فراوان افغانستان سالهاست که با قیمت نازلی به روسیه صادر میشود. و در قبال آن تنها بمبها و اسلحه های مدرن، سبک و

متفاوت می باشد ولی بطور کلی دوزبان پشتو و فارسی از همه رایج تر بوده و پشتوزبان رسمی محسوب میشود.

از نظر مذهب ۴٪ مردم افغانستان سنی مذهب (حنفی) و ۴٪ که حدوداً ۷ میلیون نفر را در بر می گیرد شیعه مذهب می باشند. مذاهب دیگر مانند هندو و اسماعیلیه نیز وجود دارد.

از نظر استراتژیکی این سرزمین حلقه وصل خاورمیانه با حوزه جنوب شرقی آسیاست. این کشور خود مرز این ندارد ولی بدلیل هم مرز بودن با ایران و پاکستان از نظر دستیابی به آبهای گرم جنوب از موقعیت خاصی برخوردار است. ابرقدرتها همواره در صدد تسلط بر خاورمیانه بوده اند و افغانستان نیز بدلیل منابع موجود در آن همواره مورد نظر استعمارگران بوده است و آنها سعی شان بر این بوده که در این کشور پایگاههای سیاسی - نظامی ایجاد کنند. از طرف دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان بدلیل هم مرز بودنش با ایران اهمیت بیشتری یافت چرا که باز مینه ای که برای وقع انقلاب اسلامی دارد. براحتی می تواند با استفاده از تجربیات انقلاب اسلامی ایران به یک کشور مستقل تبدیل شود که این را هیچکدام از دو ابر قدرت شرق و غرب نمی خواهند. لذا بعد از انقلاب اسلامی ایران توجه خاصی به این نقطه از جهان نمایند و از طرف دیگر هم مرز بودن این کشور با شوروی و چین بر اهمیت استراتژیکی آن افزوده است.

جهاد

درباره جهاد و بیگانه

بجرات میتوان گفت که انقلاب اسلامی افغانستان یکی از مظلومترین انقلابهای دنیا و ملت محروم و ستم دیده افغان یکی از مظلومترین ملت های دنیا هستند.

گردد. اصولاً همواره در طول تاریخ دو نیرو با هم در نبرد بوده و هستند، و تاریخ افغانستان نیز از این امر مستثنی نمی باشد. سالها قبل در سال ۳۳۰ قبل از میلاد اسکندر مقدونی با تجاوز خویش به افغانستان با چنان مقاومتی از جانب مردم محروم و زجر کشیده افغانی مواجه شد که سرانجام پس از نبردهای متوالی در همانجا شکست خورد و بگام مرگ گرفتار گشت.

این سرزمین همچنان دستخوش تحولاتی گوناگون بوده است تا اینکه در سال ۶۵۲ میلادی نور اسلام بر این سرزمین پرتو افکن شد. مردم لطفاً ورق بزنید

سنگین است که برای سرکوبی مردم بیدفاع نصیب افغانها می گردد. فروش نصف قیمت گاز افغانستان به شوروی در حدود ۲۲۶ میلیارد دلار در سال با فروش گاز در سطح جهان تفاوت دارد. ۲۲۶ میلیارد دلار برای کشور فقیری چون افغانستان مبلغ قابل توجهی می باشد. اکثریت مردم افغانستان در روستاها زندگی می کنند و فقط ۱۵٪ مردم آن شهر نشین می باشند، مردم روستاها نیز غالباً کشاورز و دامدارند ولی بدلیل کمبود زمین قابل کشت (اراضی قابل کشت از ده درصد کل مساحت افغانستان تجاوز نمی کند) وضع کشاورزی نیز



این کودک بر اثر حمله بی رحمانه هوایی روسها سوخته شده است.

محرورم آنچه از ورود اسلام استقبال کردند که تا سالها بعد پایبندی به اسلام زبازد خاص و عام بود. ایمان این مردم به اسلام آنچنان مستحکم بود که باعث شکست جنگیزخان مغول با تمام قدرت و هیبتش شد. و بدلیل وجود چنین مقاومتی بود که سرزمینی که اعراب آن را «مطلع الشمس» می خوانند هیچگاه بصورت یک واحد جغرافیایی محدود و معین در اختیار مهاجمان بیگانه نبوده است.

دامنگیر ملت افغان شد و ضعف فرهنگی نیز بدلیل عدم رشد و ارتقاء فرهنگ در جامعه به نحو چشمگیری وجود داشت. بابت ترشدن وضع اقتصادی زمینهای برای هجوم استعمارگران فراهم گشت. تضعیف اتحاد ملی میراثی بود که از این شاهان مستبد و مستکبر بجای مانده و ناشی از جنگهای قدرتی بود که زورمداران آن جامعه با هم داشتند و خود این زمینها از طرفی و موقعیت حساس و استراتژیکی افغانستان از طرف دیگر باعث شد تا استعمار انگلیس از جنوب و شرق و استعمار روسیه از شمال چشم طمع به این سرزمین بدوزند و در صدد تاراج و چپاول آن برآیند.

حضور استعمارگران انگلیس در افغانستان

نیمه اول قرن نوزدهم، سالهای نفوذ امپریالیزم بریتانیا در افغانستان بود. بریتانیا با تکیه بر امیران مستبد منابع غنی مردم افغانستان را به یغما برده و باعث فقر و سیه روزی این ملت دلیر شد.

هجوم استعمارگران انگلیسی (هر چند که اوایل پیشداوریشان بر این اصل استوار بود که ملت افغانستان در اثر سیاست بازبهای ضد مردمی شاهان و شاهزادگان یکپارچگی خویش را از دست داده اند و لذا مقاومتی علیه آنان انجام نخواهد شد). با مقاومت دلیر مردان افغانی روبرو شد، هرچند که یکپارچگی و اتحاد ملی بدان

اگر چه این کشور خود مرز آبی ندارد ولی بدلیل همرز بودن با ایران و پاکستان از نظر دستیابی به آبهای گرم جنوب از موقعیت خاصی برخوردار است.

ظلم و ستمی را بر این مردم روا شده است بهتر در می یابیم. در این محلات خانه ها به آتش کشیده شد، شهرها با خاک یکسان شد و شیرزنان و شیرمردان بسیاری صرفاً و صرفاً بدلیل مقاومت در برابر بیگانه به خاک و خون غلطید ولی سرانجام مقاومت مردم افغانستان آنان را مجبور به تسلیم نمود.

یکی از شیوه های امپریالیستها و استعمارگران آن است تا برایشان امکان حضور مستقیم و دخالت در سرنوشت سایر کشورها میسر است، از این طریق عمل می نماید، ولی وقتی که دیگر آن امکان و دخالت در سرنوشت آنها نباشد به شیوه هایی دیگر تمسک جسته و از طریق دیگر عمل می نمایند. و حرکت های امپریالیزم انگلیس در افغانستان نیز جدای از این قانون کلی نبود، آنان بعد از شکست



فضاحت بارشان اگر چه خود رفتند ولی فردی به نام امیر دوست محمد که از طرف مردم «امیر کبیر در خیانت» لقب گرفته بود به غارت و چپاول خود ادامه دادند، تا اینکه بعد از چندین سال (در سال ۱۸۷۸) استعمارگران انگلیسی بار دیگر به بهانه حضور یک هیئت روسی در افغانستان به این کشور حمله نمودند و اینبار نیز چون گذشته با شکست مواجه شدند و این دومین درسی بود که استعمارگران از مقاومت ملت افغانستان آموختند پس از شکست مجدداً به همان شیوه قبلی دست یازیده و یکی دیگر از سرسپردگان شان را به سلطنت منصوب کردند، این شخص که عبدالرحمن نام داشت توانست با کشتارها، شکنجه ها و فشار و اذعاب تا مدتی دوام بیاورد. در این زمان سرزمین افغانستان نه تنها از جانب انگلیسیها که از جانب روسها نیز مورد

جهاد

صورت وجود نداشت با این وجود خستگی از ظلم و جور حاکمان مستبد دلیلی بر پذیرفتن یوغ بندگی سایر استعمارگران نبود. انگلیسیها بمدت سه سال با ارتشی مسلح به جدیدترین سلاحهای روز مرکب از ۴۵۰۰ سرباز و افسر انگلیسی و هندی که توسط ۱۲۰۰۰ نفر نیروی دیگر پشتیبانی میشوند با افغانها جنگیدند ولی سرانجام در سال ۱۸۴۲ فقط یک نفر، آری یک نفر از میان آنان توانست زنده از دست افغانهای جنگجو و با ایمان گریخته و به هند فرار کند تا داستان شکست را برای سایرین بازگو نماید. بعد از این شکست بزرگ انگلیسیها نیروی نظامی بسیار قوی ای را جهت سرکوب ملت افغان اعزام داشتند ولی این نیرو جز تعدادی از انگلیسیهای اسیر را نتوانستند آزاد کند. با گذری بر حمله انگلیسیها به افغانستان

در سال ۱۷۴۷ میلادی برای نخستین بار نام افغانستان به این سرزمین داده شد و آنهم زمانی بود که دولت احمد شاه درانی از قبایل پشتو بشکل اتحادیه ای از اقوام ساکن در افغانستان بریاست همین فرد تاسیس شد، که در واقع حرکتی برای تجمع و تمرکز خانها و مالکان بزرگ در افغانستان بود.

بعد از مرگ احمد شاه بدلیل عدم لیاقت جانشینانش در حفظ دولتی که او ایجاد کرده بود، جنگهای قبیله ای و طایفه ای آغاز شد. برادر کشی و هجوم به اوج رسید در این میان، این ملت محروم و مستضعف افغان بود که می بایست باج و غرامت سنگین جاه طلبی ها و قدرت طلبی های امیران مستبد و فئودالهای مستکبر را بپردازد. بر اثر اینگونه جنگهای قبیله ای و خانه ای بود که فقر اقتصادی وسیعی

تهدید واقع میشد. و این دو ابرقدرت هر کدام برای تسلط بر این سرزمین از دیگری سبقت می گرفت. تا اینکه طبق معاهده‌ای که در سال ۱۹۰۷ بین انگلیس و روسیه صورت گرفت قرار بر این شد که روسیه انگلیس را در نفوذ به افغانستان یاری رساند!

تسلط بریتانیا بر افغانستان کماکان ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۱۹ سومین جنگ بین انگلیسها و مردم افغانستان آغاز شد. رهبری این نبرد را فردی به نام امان‌الله خان که در آن زمان چهره‌ای استقلال طلب می نمود بدست داشت و مردم توانستند با مبارزه ضد استعماری خود سرانجام استقلال را برای افغانستان به ارمغان آورند. از مجموعه عوامل موثر در این پیروزی میتوان اعتقاد مردم به مذهب و حضور روحانیت را نام برد خصوصا که بعد از سیدجمال‌الدین اسدآبادی احساسات اسلامی و مذهبی مردم و خصوصا روشنفکران و علمای جامعه شدت یافته بود.

استقلال سیاسی افغانستان که پی آمد حرکت‌های انقلابی توده‌های مسلمان افغانی بود دیرپا مداوم نبود زیرا امان‌الله خان که قدرت را بدست گرفته بود دارای نقاط ضعف بسیاری بود. یکی از بزرگترین نقاط ضعف او گرایشات شدیدش به غرب بود. او آتاتورک در ترکیه و رضاخان در ایران بود و او هم مانند هم فکرائش رهایی مردم را در زیر سلطه فرهنگی غرب رفتن میدید. او سفرایی به کشورهای اروپایی اعزام می کرد تا فرمول و نسخه چگونه غربی شدن را ره آورد سفرشان سازند. و بدین طریق بود که ملت افغانستان تحت هجوم فرهنگی غرب وارد شد.

وجود چنین ضعفهایی مضافا بر اینکه انگلستان نیز دست از توطئه چینی بر نمی داشت باعث بروز اغتشاشاتی در مملکت گردید و بار دیگر مردم که پاسخ نیازهایشان را نیافته بودند بنای مخالفت با حکومت امان‌الله خان را گذاردند. مهمترین حرکت انقلابی اسلامی که در زمان سلطنت امان‌الله خان بوجود آمد نهضت روحانیت جوان بود که توسط محمود طرزی فیلسوف و روزنامه‌نگار معروف افغانی بنیان گذار شد. وی از شاگردان مکتب سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود و اولین قیام علیه شاه مستبد را در سال ۱۹۲۴ آغاز کرد.

شورشها، اعتراضات و مخالفتها همچنان ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۲۹ امان‌الله خان بالاچار به ایتالیا فرار کرده و یک فرد شورشی به نام حبیب‌الله بچه سقا قدرت را بدست می گیرد این فرد از قوم تاجیکها بوده و توانست مدت ۹ ماه حکومت کند.

ولی اینبار نیز استعمارگران ساکت ننشستند

جهاد

و در صدد توطئه برآمدند، یکی از خطرات عمده‌ای که همواره هر نهضت و انقلابی را تهدید می کند به فراموشی سپردن و غافل ماندن از توطئه‌های دشمن است. بسیار دیده شده نیروهای استقلال طلب به صرف بدست گیری قدرت، خود را قدرتمند تصور کرده و از کینه و مکر دشمن غافل مانده اند و بدین طریق زمینه را برای سلطه مجدد دشمنان قبلی آماده می سازند. این نوع ساده اندیشی همواره نهضتها و انقلابات را در همان ماهها و سالهای اول به انحراف سوق داده و یا به شکست کشانده است. استعمارگران انگلیس پس از مدتی نادرشاه را که از مزدوران سرسپرده انگلیس بود به سلطنت افغانستان منصوب کرد. او در طی

استبداد را بر همه جا مستولی گرداند. او به شوروی اجازه داد برای رقابت با امپریالیزم غرب دست به اجرای یکسری پروژه های کشاورزی و استخراج معادن در افغانستان بزند و برای انجام این امر تعداد بسیار زیادی مستشار روسی استخدام نمود. اولین طرح برنامه پنجساله بکار افتاد و بدین ترتیب استعمارگر شرق نیز بر اقتصاد این کشور تسلط یافت.

در همین سالها یعنی بعد از جنگ جهانی دوم بدلیل تحلیل رفتن قوای انگلیس و رو به ضعف رفتن این ابر قدرت، امریکا در صدد تصرف و اعمال قدرت سلطه جویانه اش بر مستعمرات بریتانیا می افتد. این قدرت تازه به میدان آمده

انگلیسها در اولین جنگ با افغانستان بعدت سه سال با ارتشی مسلح به جدیدترین سلاحهای روز با افغانها جنگیدند ولی سرانجام فقط یک نفر از آنان توانست زنده از دست افغانهای جنگجو بگریزد.

چهارسال حکومت ننگینش بهترین فرزندان انقلابی افغانستان را از بین برد. لیست سیاهی از سفارت انگلیس دریافت می داشت، افراد را توسط مزدورانش بر اساس لیست تنظیم شده شناسائی می کرد و سپس به شهادت میرساند وی در سال ۱۹۳۲ ترور شده و پسر ۱۹ ساله اش ظاهر شاه براریکه قدرت می نشیند.

با به قدرت رسیدن ظاهر شاه بود که در سیاست افغانستان چرخشی بوجود آمد. اگر تا به امروز استعمار غرب بیشترین سهم را در غارت داشت با سیاست موازنه مثبت ظاهر شاه، شرق نیز در این چپاول رسمیت یافت. ظاهر شاه دست امپریالیستهای شرقی و غربی را در چپاول افغانستان باز گذارد و برای راحتی اربابان،



برای تثبیت موقعیت خویش به راههای سیاسی و اقتصادی توسل جست، بعنوان مثال برای نفوذ در افغانستان از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۶ مجموعا ۵۱/۷۵ میلیون دلار قرضه با نرخ بهره ۴٪ به این کشور پرداخت می کند و در سالهای بعد دلارهای امریکایی بدون پرداخت بهره و یا به میزان بسیار اندکی بهره بسوی افغانستان روان می گردد. در مقابل این بذل و بخششها امریکاه شوروی نیز بیکار نشست و نرخ بهره خود را به میزان زیادی کاهش داد و حتی در سال ۵۷ شوروی میزان ۱۵ میلیون دلار وام بدون بهره به افغانستان پرداخت کرد. او با این کارش اولا حمایت از خلقها را از بعد از انقلاب اکبر شعار خود ساخته بود توجهی می کرد و ثانيا درازای آن، بهره‌ها و سودهای بیشتری نصیبش میشد. با یک نگرش عمیقتر در می یابیم که این میزان وام به افغانستان فقط صرف پرداخت هزینه استخراج گازی میشد که مستقیما به روسیه صادر می گردید.

و از طرفی این اجازه به شوروی داده شده بود که کالاهای خود را به افغانستان وارد کند و در افغانستان کالاهای مصرفی روس و یک همزیستی مسالمت آمیز؟! با کالاهای غربی بسر می بردند.

و اینها همه امتیازاتی بود که ظاهر شاه به ابرقدرتهای شرق و غرب اعطاء کرده بود. در طول ۴۰ سال حکومت ظاهر شاه در افغانستان تنها چیزی که نصیب این ملت محروم و زجر کشیده شد، فقر بود و وابستگی. هرگونه صدای آزادیخواهانه و استقلال طلبانه ای در گلو خفه

بقیه در صفحه ۷۱

مأمور اجرای احکام...

چیزی جز همان روش و عادات پیامبران پیشین نیست (انْ هَذَا إِلَّا خَلْقُ الْأَوَّلِينَ) و بار دیگر در سوره قلم آنجا که خدای بزرگ و پروردگار عالم پیامبرس را در برابر مسرکین و کفار و منافقان، تائید و تقویت می کند، به او وعده می دهد که تو در نزد پروردگارت پاداشی بی منت داری و قدر

زحمات و تلاشها و مجاهدتهای تراتنها او می تواند دریابد و ارزیابی کند و اجر دهد، و رمز قدرت مقاومت و ایستادگی تو در برابر مخالفان و تحمل ناراحتیها و ادامه رسالت و در برابر بدیها خیر مخالفان را خواستن و آنان را به سعادت ابدی راهنمایی کردنت در نتیجه تفضل و عنایتی است

پروردگاری که ترا بر پایه و مبنای خوی و رفتار و خصوصیت و خصلتی بسیار بزرگ قرار داده که بتوانی همه آن سختیها و ناملازمات و گرفتاریها را با رویخوش پذیرا باشی و (انک لعلى خلق عظیم).

ولی مفاهیم اخلاقی و مصداقهای عملی آن به معنی تشویق و ترغیب به در پیش گرفتن رفتارها و شیوه ها و خوبیهای پسندیده که بشر را به انسانی رشد یافته و منزّه و تزکیه شده تبدیل کند، بخش بزرگی از قرآن را به خود اختصاص داده است.

تاریخ مقاومت....

می گشت و هر حرکتی در این جهت بسرعت سرکوب می گشت. ظاهر شاه همانند تمام سلاطین تاریخ برایش مهم نبود که چه کسی زجر می کشد و چه کسی در رفاه لمیده است. او باید بر اریکه قدرت می ماند و به خاطر حفظ حکومتش با هر قدرتی سازش می نمود. و حتی این هم برایش فرق نمی کرد که این قدرت شرقی است یا غربی، روسی است یا انگلیسی؟!

وامین می گذارد. این حزب کوشش بسیار زیادی نمود تا چهره ظاهرشاه را در نزد مردم خوب جلوه دهد، او را انقلابی و مترقی خواند ولی هیچکدام از اینها از نفرت و خشم مردم نسبت به ظاهر شاه نکاست.

و چون جریان به این شکل پیش می رفت، روسیه تصمیم گرفت تضاد مردم و رژیم را بگونه ای دیگر حل!! نماید، او که از سالها پیش زمینه سلطه خویش را بر افغانستان فراهم ساخته بود و از طرق متفاوت و گوناگون به این خاک نفوذ کرده بود در این اندیشه بود که باید با عمل ضربتی حکومت را کاملاً به نفع خویش تغییر دهد.

بر اثر فشار روز افزون بر مردم در افغانستان ندای حق طلبانه اوج می گرفت. ظاهر شاه برای انحراف مبارزه مردم اقدام به یک سری زفرم کرده و در سال ۱۳۴۳ دستور برقراری قانون اساسی را میدهد و تهیه و تدوین آن را بعهده حزب دمکرات افغانستان به رهبری تره کی - بیرک

«ادامه دارد»

واحد گرافیک...

در رژیم گذشته سیاست پوچ گرایی بوده و بی تفاوتی مردم نسبت به هنر قرن بیستم قرن اوج و مکتهایی از قبیل نیهیلیسم و پوچ گرایی در ادبیات و رشته های دیگر هنری موثر گردید. مثلاً در زمینه خط که یکی از بارزترین نمودهای بیان است و نمیتوان خط را برای خط نوشت که محتوی و بیانی نداشته باشد. اولین آثار هنری که در غارهای انسانهای اولیه بدست آمد گویای پیام بود رژیم گذشته تلاش میکرد تا هنر را بی محتوا کند. چون اگر محتوا داشت دونوع بود یا باید محتوی مردمی داشته باشد یا ضد مردمی هنر دارای پیام است دارای ارزش است و مخاطبش هم مردم هستند مردمی که عمدتاً روستائیند هنری که مردم درکش نکنند نمیتواند هنر باشد؟ می خواهیم امروز هنر بیان داشته باشد و پیام آور باشد. در اینجا قسمتی از شعر مولوی را میآوریم:

هیچ نقاشی نگارد زین نقش
بی امید نفع بهر عین نقش
هیچ خطاطی نویسد خط بفن
بهر عین خط نه بهر خواندن

س: درخاتمہ اگر پیامی برای جوانان تازه کار دارید بفرمائید؟

- پیام من به همه علاقه مندان هنر این است که برگردند به ارزشهای اصیل و سنتی خودشان، تکلیک های غربی را از بین ببرند و ببینند که مردم از آنها چه می خواهند ارزش کارشان زمانبست که مردم مستضعف مایابیند و از کارشان دیدن کنند بنابراین الگویشان باید مردم باشد و یک زیربنای هنری محکمی برای خودشان و آینده کشورشان بسازند

از عایشه پرسیدند: اخلاق پیغمبر چگونه بود؟ پاسخ داد: اخلاق او قرآن بود. یعنی رفتار و گفتار و شیوه برخورد با دوستان و دشمنان و روش تبلیغ و طرز سلوک آن بزرگوار با خانواده و اجتماع در حال سختی و آسانی و در جنگ و صلح و پیروزی و شکست و ناکامی و موفقیت همه و همه، بر پایه دستورها و رهنمودهای قرآنی شکل گرفته بود.

و آن بزرگوار خود می فرماید: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» مبعوث شدم و به پیغمبری مأمور گردیدم برای اینکه ارزشهای والای اخلاقی را به انجام رسانم. بنا بر این اخلاق کریمه و خوبیهای پسندیده و رفتارهای حمیده یکی از هدفها و برنامه های اصلی پیغمبر اسلام بوده است.

اگر بخواهیم آیات قرآنی مربوط به اخلاق پسندیدنی را که توصیه می کند یا دستور می دهد و اخلاق ناپسند و مذمومی را که نهی می کند، در اینجا بررسی کنیم و حتی اگر بخواهیم احادیث نبوی را در این زمینه مورد توجه قرار دهیم، سخن بسیار به درازا خواهد کشید، و ما را از مقصد اصلی به دور خواهد انداخت، اما از آنجا که نهج البلاغه علوی و سخنان گهربار امام علیه السلام، از قرآن و سخنان پیامبر اکرم سرچشمه گرفته است و می توان سخنانش را تفسیر قرآن و ترویج احادیث نبوی دانست، پرداختن به اخلاق در نهج البلاغه را دور شدن از بررسی و دریافت دستورها و مفاهیم اخلاقی موجود در قرآن و احادیث نبوی نمی دانیم، لذا به مقصد اصلی می پردازیم و در مباحث بعد اخلاق را از جنبه های مختلف در نهج البلاغه مورد بحث و بررسی قرار می دهیم، من الله التوفیق و علیه التکلان از خدا امید موفقیت داریم و به حضرتش توکل می کنیم که اگر توفیق او رفیق راهمان نرود و ما را به خود واگذارد هرگز به مقصد نخواهیم رسید.